دو ماهنامهٔ فرهنگ و ادبیات عامه
سال ۷، شمـارهٔ ۲۶، خرداد و تیر ۱۳۹۸

بازتاب کنش سیاسی توده‌ها در لطیفه‌های عصر پیشامشروطه، دورهٔ قاجاریه

مهدی میرکیایی [۱*]

(دریافت: ۱۳۹۷/۵/۲۷پذیرش: ۱۳۹۸/۲/۲۲)

چکیده

کثرت لطیفه‌سازی و بذله‌گویی مردم ایران به‌ویژه دربارهٔ نخبگان حاکم در عصر قاجاریه، بررسی جایگاه آن‌ها را در حیات سیاسی توده‌ها، مهم جلوه می‌دهد. اختصار و ایجاز و همچنین جاذبهٔ ذاتی مطایبه، سبب انتشار سریع این لطیفه‌ها در جامعه شده و از آن‌ها ابزاری کارآمد در منازعات سیاسی توده‌ها ساخته است.پرسش این‌جاست که این لطیفه‌ها به دنبال خدشه‌دار کردن کدام یک از بخش‌های روایت رسمی حکومت بودند و پیرو آن کدام یک از ساحت‌های سلطه را نفی می‌کردند؟ فرض ما بر این است که در میان این لطیفه‌ها، آن‌هایی که دربارهٔ اقتدار حکومت و نیز سیادت ذاتی اجزاء آن بر عامهٔ مردم، مناقشه می‌کردند، جایگاه ویژه‌ای دارند. در لطیفه‌هایی که اقتدار حکومت را نفی می‌کردند شاهد نافرمانی صریح نمایندهٔ عامه در برابر نمایندهٔ حکومت هستیم که با موفقیت نمایندهٔ مردم به پایان می‌رسد و در لطیفه‌هایی که با ادعای برتری ذاتی نخبگان حاکم مقابله می‌کردند ضعف‌های شخصیتی فرادستان برجسته می‌شد تا تصویری که روایت رسمی از آن‌ها به‌عنوان موجوداتی فراانسانی ساخته بود مخدوش شود. مردم با بهره بردن از این لطیفه‌ها به‌صورت هم‌زمان سلطهٔ مادی و منزلتی ارباب قدرت را به چالش می‌کشیدند و در این میان، تلاش آن‌ها بیشتر بر خنثاسازی سلطهٔ منزلتی متمرکز بود. چارچوب نظری پژوهش، نظریهٔ «روایت‌های نهانی» جیمز سی. اسکات است که تلاش کرده است مقاومت

---

۱. استادیار گروه تاریخ دانشگاه علامه طباطبائی (نویسندهٔ مسئول).

[*] mmirkiaee@yahoo.com

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-27]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.1.9]

توده‌ها را در دوره‌هایی که بدون اعتراض آشکار به نقد قدرت می‌پردازند تبیین کند. پیش از این، پژوهشی که به تحلیل لطیفه‌های سیاسی عصر پیشامشروطه پرداخته باشد، منتشر نشده است.

واژه‌های کلیدی: لطیفه، اعتراض، قاجاریه، پیشامشروطه.

۱. مقدمه

بررسی کنش سیاسی فرودستان در عصر پیشامشروطه که در آن تنوع گروه‌های میانجی بین حکومت و مردم به حداقل رسیده بود و توده‌ها برای اعلام اعتراض به حکومت یا دادخواهی در پیشگاه آن از کمترین ابزارها و واسطه‌ها بهره‌مند بودند، اهمیت بسیاری دارد. حیات سیاسی توده‌ها اشکال متنوعی از اعتراض‌های خشونت‌بار تا پایداری‌های پنهان و خاموش را دربر می‌گرفت. واکنش‌های آمیخته به خشونت، به دوره‌های اندک و مشخص شورش و بلوا محدود می‌شد، از همین رو بخش عمدهٔ این پایداری به مقاومت پوشیده و اعتراض ضمنی به قدرت اختصاص پیدا می‌کرد. این انتقاد تلویحی برای پوشیده ماندن، خود را در تمثیل، استعاره و سخنان دوپهلو در قالب‌های ترانه، قصه، لطیفه، نمایش، بازی و... استتار می‌کرد تا از گزند ارباب قدرت مصون بماند. از همین رو، بررسی حیات سیاسی توده‌ها جز با مراجعه به ادبیات و فرهنگ عامیانهٔ آن‌ها ممکن نیست که از آن با عنوان «فرهنگ غیر رسمی» (ذوالفقاری، ۱۳۹۲) نیز یاد کرده‌اند.

در این میان، لطیفه‌سازی و بذله‌گویی بخش بزرگی از فرهنگ و ادبیات عامیانهٔ آن دوره را به خود اختصاص می‌دهد. اشارات فراوان سفرنامه‌نویسان اروپایی به بذله‌گویی ایرانیان گواه این مدعاست (سایکس، ۱۳۸۲: ۲۳۸؛ اسپاروی، ۱۳۶۹: ۶؛ کنت دوگوبینو، ۱۳۶۷: ۴۳۰).

جاذبهٔ ذاتی طنز و مطایبه، زمینهٔ انتشار سریع لطیفه‌ها را در جامعه فراهم می‌کرد. از طرفی ایجاز و اختصار آن‌ها نیز به این انتقال سریع یاری می‌رساند. در این میان، نقل شفاهی لطیفه‌های سیاسی، امنیتی را برای گویندگان آن‌ها در مقایسه با اعتراض‌های مکتوب فراهم می‌کرد. همهٔ این ویژگی‌ها، افزایش کارایی این قالب را در زندگی سیاسی توده‌ها در پی داشت که بر اهمیت بررسی آن می‌افزاید.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-27]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.1.9]

تلقی ما از لطیفه در این پژوهش با آنچه اولریش مارزلف (۱۳۷۱: ۲۳) در مقدمهٔ *طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی* از آن با عنوان «آنکدوت» یاد می‌کند، یکسان است: داستان یا واقعهٔ کوتاه هزل‌آمیزی که تأیید نشده و اغلب مربوط است به یک شخصیت آشکار و شناخته‌شده. از همین رو آنچه به‌عنوان لطیفه مورد اشاره و بررسی ماست، حکایاتی است که به‌عنوان حوادثی واقعی دربارهٔ رجال سیاسی قاجاریه، دهان به دهان در جامعه نقل می‌شد. روایت موجز، نغز و طیبت‌آمیز بودن، پایان غافل‌گیرکننده و برهم خوردن منطق معمول روزمره از ویژگی‌های عمومی لطیفه‌ها هستند (اخوت، ۱۳۸۴: ۱۷-۲۳).

این پژوهش به دنبال یافتن پاسخ این پرسش‌هاست: لطیفه‌هایی که در عصر پیشامشروطه در دورهٔ قاجاریه دربارهٔ نخبگان حاکم نقل می‌شد کدام یک از بخش‌های روایت رسمی حکومت را زیر سوال می‌برد و به تبع آن کدام یک از ساحات سلطه را به چالش می‌کشید؟

فرض پژوهش بر این است که چون حکومت قاجاریه در یک روایت رسمی، تابلویی از خود می‌ساخت که بخشی از آن راوی سیادت و برتری ذاتی نخبگان حاکم بر عموم مردم و نیز اقتدارشان در سرکوب مخالفان بود، مردم نیز با نقل لطیفه‌هایی که در آن‌ها نمایندهٔ توده، برتری ذاتی و اقتدار نخبگان حاکم را زیر سؤال می‌برد، به نفی و خنثاسازی روایت رسمی حکومت می‌پرداختند و از رهگذر هر دو ساحت، سلطهٔ مادی و منزلتی را به چالش می‌کشیدند.

چارچوب نظری پژوهش، نظریهٔ روایت‌های نهانی جیمز سی. اسکات است که شیوه‌های همانند مقاومت فرودستان در برابر قدرتمندان را صورت‌بندی و تلاش می‌کند دوره‌هایی از پایداری توده‌ها را توصیف کند که با پرهیز از واکنش‌های خشونت‌بار، به انتقاد تلویحی از زمامداران با بهره گیری از قالب‌های فرهنگ عامیانه می‌پردازند.

پیش از این دربارهٔ لطیفه‌های اقتدارستیز در دورهٔ قاجاریه، عصر پیشامشروطه، پژوهشی با نگاه تحلیلی صورت نگرفته است.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-27]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.1.9]

۲.چارچوب نظری

۲-۱. نظریهٔ روایت‌های نهانی

نظریهٔ «روایت‌های نهانی» بر این دیدگاه استوار شده است که کنش سیاسی توده‌ها به تمکین و تملق در برابر ارباب قدرت یا دوره‌های انگشت‌شمار شورش و بلوا محدود نمی‌شود و بخش اعظم زندگی سیاسی آن‌ها در گسترهٔ وسیعی که بین تمکین و شورش قرار دارد، پیگیری می‌شود. این رفتار سیاسی در قدم نخست، در محافل خصوصی فرودستان، جایی که نگاه تیزبین قدرت در آن رخنه نکرده است، بروز پیدا می‌کند و قدرت را در غیاب قدرتمندان نقد می‌کند. این اعتراض‌های پنهانی همان روایت‌های نهانی توده‌ها هستند. این انتقادها در قدم دوم، تمایل دارند در سطح جامعه مطرح شوند؛ اما بیان آن‌ها در حضور قدرت باید با استتاری صورت گیرد که گویندگان آن را از تعقیب و تنبیه گماشتگان حکومت مصون نگه دارد. این استتار به دو گونهٔ ساده و پیچیده صورت می‌گیرد. استتار ساده با بهره‌گیری از امکانات فرهنگ شفاهی انجام می‌شود. گمنام ماندن گویندگان در کوچه و بازار و دهان به دهان چرخیدن انتقادها یکی از این ظرفیت‌ها و امکانات است که خلاف اعتراض مکتوب که سندی قابل استناد برجای می‌گذارد، به‌آسانی قابل پیگیری نیست. اما استتار پیچیده، نقدها را در پشت معناهای ظاهری و حرف‌های دوپهلو پنهان می‌کند. رمز و تمثیل و قالب‌های ادبی همچون قصه، ترانه، لطیفه، نمایش و.... به یاری توده‌ها می‌آیند تا اعتراض خود را بی‌پروا از آسیب و گزند زمامداران در سطح جامعه مطرح کنند. به همین علت، شناخت رفتار سیاسی توده‌ها به کاوش در فرهنگ و ادبیات عامیانهٔ آن‌ها نیازمند است.

نظریهٔ «روایت‌های نهانی» جیمز سی.اسکات بخش مهمی از «روایت نهانی» فرودستان ماهیتی انعکاسی و واکنش‌گونه دارد؛ به این معنا که به نفی یا خنثاسازی ادعاهای فرادستان و نخبگان حاکم اختصاص می‌یابد. این ادعاهای زمامداران در نظریهٔ اسکات «روایت رسمی» خوانده می‌شود. روایت رسمی تصویری است که حکومت از خود می‌سازد تا نخبگان حاکم را به یک ایدئولوژی خاص پایبند نشان دهد، روایتگر برتری و سیادت ذاتی آن‌ها بر توده‌ها باشد، صلابت و اقتدار آن‌ها را تأیید کند و ایشان را در ایجاد عدالت در جامعه و آبادانی در کشور کامیاب نشان دهد. این روایت رسمی

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-27]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.1.9]

در خدمت ایجاد سلطه در سه ساحت مادی، منزلتی و ایدئولوژیک است. سلطهٔ مادی با بهره‌گیری از ابزارهای سرکوب یا نمایش اقتدار و صلابت برای دریافت مالیات، زورستانی یا کار اجباری شکل می‌گیرد. در سلطهٔ منزلتی شاهد یک نظام اجتماعی هستیم که در آن بر روابط و تعاریف مشخص فرادستی/ فرودستی تأکید می‌شود. تمام این تعاریف حول اثبات سیادت و برتری ذاتی نخبگان حاکم بر توده‌ها شکل گرفته‌اند. سلطهٔ ایدئولوژیک با تکیه بر قرائت نخبگان مسلط از جهان‌بینی عمومی دینی یا سیاسی به توجیه نابرابری‌ها می‌پردازد.

ارباب قدرت برای ساختن این روایت رسمی پنج راهبرد اصلی را دنبال می‌کنند: پنهان‌سازی، تلطیف، بدنام‌سازی، اجماع و رژه. پنهان‌سازی راهبردی است که نخبگان حاکم با بهره بردن از آن تلاش می‌کنند هر آنچه را که اقتدار، پاک‌سرشتی، پایبندی آن‌ها به ایدئولوژی یا برتری و سیادت ذاتی آن‌ها را زیرسؤال ببرد، از دیده‌ها پنهان کنند. آن‌ها با بهره‌گیری از «تلطیف» به آراستن و بزک کردن آن بخش از کردارشان می‌پردازند که نمی‌توانند آن را پنهان کنند. تلطیف به‌خصوص برای تزیین توسل به زور به‌کار می‌رود. برقرار کردن آرامش به جای یورش نظامی نمونه‌ای از این تلطیف‌هاست. بدنام‌سازی در مقابل تلطیف قرار می‌گیرد. زمامداران، مخالفان یا فعالیت‌های آن‌ها را بدنام و بی‌آبرو می‌کنند و برای نمونه، شخصیت‌های انقلابی، خرابکار یا راهزن نامیده می‌شوند.

اجماع راهبرد چهارم زمامداران است که تلاش می‌کنند اختلاف‌نظرها و درگیری‌های درون حکومت را از چشم جامعه دور نگه دارند. آگاهی از این اختلاف‌ها، ممکن است توده‌ها را به این نتیجه برساند که توان نخبگان حاکم در اعمال سلطه، روز به روز کاهش می‌یابد و حکومت رو به تجزیه و نابودی می‌رود. رژه و نمایش نظامی پنجمین ابزار حکومت در صورت‌بندی روایت رسمی است. اسکات رژه را بخشی از «آیین‌های قدرت» می‌نامد که درون‌مایهٔ آن نمایش صلابت و تأکید بر اقتدار زمامداران است.

فرودستان با شناسایی این راهبردهای حکومت در روایت رسمی، تلاش می‌کنند در روایت نهانی خود، هریک از آن‌ها را بی‌اثر کنند. توده‌ها با یافتن مصداق‌هایی از زندگی

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-27]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.1.9]

خصوصی فرادستان، ادعای برتری و سیادت ذاتی آن‌ها را زیر سؤال می‌برند. همچنین با برجسته کردن برخی اعمال و کردار حاکمان، پایبندی آن‌ها را به ایدئولوژی مورد ادعایشان نفی می‌کنند. آن‌ها به تکریم و بزرگداشت یاد مخالفان حکومت و حتی راهزنان و یاغیان که به هرشکل علیه نظم موجود به پا خاسته‌اند، می‌پردازند تا ترفند حکومت را در بدنام‌سازی مخالفان بی‌اثر بگذارند. آگاهی از اخبار پشت پردهٔ قدرت که درگیری‌های داخلی عناصر حکومت را آشکار می‌کند، راهبرد اجماع را خنثا می‌سازد و ریشخند و تحقیر نیروهای نظامی و رژه را که اصلی‌ترین جلوهٔ اقتدار حاکمان است به نمایشی خنده‌دار تبدیل می‌کند. ماهیت انعکاسی روایت نهانی، ناظر به همین واکنش‌های متقابل توده‌هاست.

۲-۲. لطیفه‌هایی در نفی صلابت و اقتدار حکومت

اسکات، هنگامی که سلطه را در سه ساحت مادی، منزلتی و ایدئولوژیک تبیین می‌کند، اقتدار و صلابت را که به‌خصوص نمایش قدرت نظامی از نمودهای آن است، به‌عنوان ابزار سلطهٔ مادی برمی‌شمارد؛ اما این سلطهٔ مادی همواره با توسل واقعی به خشونت صورت نمی‌گیرد. نمایش‌ها و آیین‌های قدرت، جایگزینی کم‌هزینه برای توسل به زور هستند: نمایش اثربخش با انتقال حس قدرت واقعی و ارادهٔ استفاده از آن می‌تواند نیاز به خشونت واقعی را کاهش دهد (اسکات، ۱۳۹۶: ۶۰). مادامی که اربابان قدرت بتوانند ظاهر مصمم و سختگیرانه را حفظ کنند و برق شمشیرهایشان را به رخ بکشند و از نمادهای رؤیت‌پذیر سرکوب همچون زندان و قدرت نظامی بهره ببرند، می‌توانند نفوذ سهمگینی را اعمال کنند که با قدرت واقعی آن‌ها هیچ تناسبی ندارد (همان)؛ اما فرودستان بر اساس ویژگی انعکاسی روایت نهانی، لطیفه‌های اقتدارستیز را برای تحقیر این نمادهای قدرت و سرکوب صورت‌بندی می‌کنند که در این‌جا به سه نمونه از آن‌ها اشاره می‌کنیم:

لطیفهٔ اول: نصیرالدوله که بعدها ملقب به آصف‌الدوله شد، در عصر ناصری مدتی حاکم خراسان بود و مانند بسیاری از بلندپایگان عصر قاجاریه، هنگام رفت‌وآمد در شهر با تعداد زیادی فراش حرکت می‌کرد. روزی، کاروان پرشمار خدمهٔ نصیرالدوله در

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-27]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.1.9]

راهی مجبور به توقف شد. نصیرالدوله متوجه شد مردی که تعداد زیادی الاغ را در مقابل خود به راه انداخته، مسیر آن‌ها را سد کرده و کنار هم نمی‌رود. با عصبانیت به سوی او راند و گفت: «کنار برو، تو که یک الاغ‌دار بیشتر نیستی». مرد گفت: «من هم حق دارم از این راه عبور کنم. من آدمی هستم که خر می‌رانم و شما خری هستید که آدم می‌رانید». نصیرالدوله از این جواب جسورانه و مناسب مرد به خنده افتاد و به نوکرهای خود امر کرد با او کاری نداشته باشند (بامداد، ۱۳۶۳: ۱/ ۳۱۳).

لطیفهٔ دوم: آقازمان، حاکم شیراز در عصر فتحعلی‌شاه، عوارض سالانه‌ای برای برخی اصناف وضع کرده بود؛ اما سبزی‌فروشی نزد او رفت و گفت از پرداخت این عوارض عاجز است. آقازمان گفت: «یا باید عوارض را پرداخت کنی یا مغازه‌ات را رها کنی و به جای دیگری بروی». سبزی‌فروش گفت: «به کجا بروم؟». آقازمان گفت: «به تهران برو». سبزی‌فروش گفت: «آن‌جا برادر شما حاکم است». آقازمان گفت: «به کاشان برو». سبزی‌فروش گفت: «در آن‌جا برادرزادهٔ شما بر مسند قدرت است». آقازمان گفت: «به یزد برو». سبزی‌فروش جواب داد: «آن‌جا هم داماد شما صاحب مقام است». آقازمان عصبانی شد و گفت: «پس برو به جهنم!». سبزی‌فروش با خونسردی جواب داد: «آن‌جا مرحوم پدرتان تشریف دارند و مطمئناً صاحب مقام والایی هستند!». آقازمان از این پاسخ سبزی‌فروش به‌شدت خنده‌اش گرفت و گفت: «خوب برو سبزی‌ات را بفروش و از عوارض هم هراسی نداشته باش» (هالینگبری، ۱۳۶۳:۵۱).

لطیفهٔ سوم: آصف‌الدوله، حاکم خراسان، حکم کرده بود که فروشندگان و دکان‌داران بازار، صنف خود را دقیقاً مشخص کنند و هر کس تنها به فروش کالایی بپردازد که به کسب ویژهٔ او مربوط است. مدتی پس از اعلام این فرمان، آصف‌الدوله به بازار رفت تا نتایج آن را مشاهده کند؛ اما با تعجب دکان تنباکوفروشی را دید که تعداد زیادی بند تنبان هم در کنار توتون و تنباکو و قلیان‌ها و چپق‌ها دیده می‌شد. آصف‌الدوله با عصبانیت از تنباکوفروش پرسید: «مگر تو تنباکوفروش نیستی؟ این بندها چه صیغه‌ای است در دکان تو؟». تنباکوفروش پاسخ داد: «قربان، تنباکوهای ما خیلی تند است. مشتری ما با اولین دودی که به حلقش برود چنان سرفه‌ای می کند که بند تنبانش پاره

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-27]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.1.9]

می‌شود و به یک بند تنبان جدید نیاز پیدا می‌کند!». آصف‌الدوله به خنده افتاد و تنباکوفروش را به حال خود واگذاشت (شاملو، ۱۳۷۸: ۲/ ۳۲۳).

صحنهٔ آغازین همهٔ این لطیفه‌ها با رودررو شدن نماینده‌ای از حکومت با نماینده‌ای از توده آغاز می‌شود. در لطیفهٔ اول، نصیرالدوله با مرد الاغ‌دار روبه‌رو می‌شود. در لطیفهٔ دوم، حاکم شیراز با مرد سبزی‌فروش رودررو می‌شود و در لطیفهٔ سوم، آصف‌الدوله با مرد تنباکوفروش مواجه می‌شود. مخاطبِ لطیفه می‌داند که تضادی همیشگی و دیرینه در دل این مواجهه نهفته است. تضادی که منبع اصلی تنش و ایجاد کشش دراماتیک در روایت خواهد بود. ترسیم دائمی و تکرارشوندهٔ این مواجهه در تمام این لطیفه‌ها به الگوی همیشگی تضاد بین توده‌ها و حکومت در جامعه اشاره دارد.

پس از توصیف صحنهٔ آغازین، نخستین کنش به نمایندهٔ نخبگان حاکم تعلق دارد. او فرمانی را صادر می‌کند. در لطیفهٔ اول، نصیرالدوله از مرد الاغ‌دار می‌خواهد راه را برای کاروان خدمهٔ او باز کند. در لطیفهٔ دوم، حاکم شیراز از مرد سبزی‌فروش عوارض طلب می‌کند و در لطیفهٔ سوم آصف‌الدوله از مرد تنباکوفروش می‌خواهد بند تنبان‌ها را جمع کند. صدور این فرمان‌ها مؤید این نظر اسکات است که صاحب قدرت معمولاً همان کسی است که گفت‌وگو را آغاز و سمت و سوی آن را تعیین می‌کند و به آن پایان می‌بخشد (همان، ۴۲). این فرمان‌ها به ساحت نخست سلطه یا همان سلطهٔ مادی تعلق دارند: در لطیفهٔ اول، نمایندگان حکومت در استفاده از اماکن عمومی همچون راه‌ها اولویت دارند. لطیفهٔ دوم ناظر به پرداخت مالیات است و لطیفهٔ سوم از مقررات و شروط تازهٔ حکومت برای دادوستد می‌گوید. اما ویژگی انعکاسی روایت نهانی باعث می‌شود نمایندهٔ توده تلاش کند این اقتدار را مخدوش سازد. او از انجام فرمان سرپیچی می‌کند. در لطیفهٔ اول، مرد الاغ‌دار راه را برای نصیرالدوله باز نمی‌کند. در لطیفهٔ دوم، مرد سبزی‌فروش حاضر به پرداخت مالیات نیست و در لطیفهٔ سوم تنباکوفروش حاضر نمی‌شود بند تنبان‌ها را جمع کند. پایان‌بندی لطیفه، به گونه‌ای که این نافرمانی، سرانجامی خوش را برای کنشگر آن در پی می‌آورد نشانهٔ به ثمرنشستن تلاش نمایندهٔ توده‌ها برای نفی اقتدار نمایندهٔ حکومت است؛ اما نمایندهٔ حکومت بر انجام فرمانش اصرار می‌ورزد. در لطیفهٔ اول، نصیرالدوله با خشم به الاغ‌دار می‌گوید: «کنار برو. تو که

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-27]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.1.9]

بیشتر از یک الاغ‌دار نیستی». در لطیفهٔ دوم، حاکم شیراز به سبزی‌فروش می‌گوید درصورت نپرداختن عوارض باید از شهر برود و در لطیفهٔ سوم، آصف‌الدوله به تنباکوفروش می‌گوید: «بند تنبان، کالای خرازی است. تو که تنباکوفروشی».

این اصرار با توهین یا تهدید همراه است و گواه آن است که ساحت دوم سلطه (سلطهٔ منزلتی) به یاری ساحت نخست (سلطهٔ مادی) می‌آید. رفتار نمایندهٔ حکومت آمیخته به هتک است و همان‌گونه که واضع نظریهٔ روایت‌های نهانی تأکید می‌کند همهٔ اشکال سلطه دربردارندهٔ گونه‌ای از هتک حرمت فرودستان هستند. اسکات در تبیین سلطهٔ منزلتی می‌نویسد: سلطه و استثمار معمولاً با توهین و تحقیر کرامت انسانی همراه است. یکی از تمایزهای اساسی که می‌توان بین شکل‌های مختلف سلطه ترسیم کرد بر اساس انواع هتک حرمتی است که اِعمال قدرت همواره ایجاد می‌کند (همان، ۲۰). اما نمایندهٔ توده، بی‌توجه به تأکید و اصرار نمایندهٔ حکومت، پاسخی نغز و بسیار خنده‌دار می‌دهد. در لطیفهٔ اول، مرد الاغ‌دار به نصیرالدوله می‌گوید: «من آدمی هستم که خر می‌رانم و تو خری هستی که آدم می‌رانی». در لطیفهٔ دوم، مرد سبزی‌فروش به حاکم شیراز می‌گوید: «در جهنم هم پدرتان حاضر است به آنجا هم نمی‌توانم بروم». و در لطیفهٔ سوم: تنباکو فروش به آصف‌الدوله می‌گوید: «سرفهٔ مردم، بند تنبان آن‌ها را پاره می‌کند».

بر اساس نظریهٔ روایت‌های نهانی این لطیفه‌ها محصولی فرهنگی به‌شمار می‌روند که از خیال انتقام و رودررویی ناشی می‌شوند: فردی که تحقیر شده ممکن است خیال انتقام و رویارویی را در سر بپروراند؛ ولی هنگامی که توهین نوعی تحقیر نظام‌مند باشد که یک نژاد، طبقه یا قشر تحمل می‌کند این تخیل به یک محصول فرهنگی جمعی تبدیل می‌شود (همان، ۲۱).از آنجا که سلطهٔ منزلتی کرامت افراد را هدف می‌گیرد در روایت‌هایی نظیر این لطیفه‌ها که دهان به دهان میان مردم می‌چرخید عزت نفس توده‌ها احیا می‌شد: بیان آشکار پاسخی به مقامات که مدت‌ها فرو خرده شده است، حس قدرتمندی از بازیابی کرامت انسانی را به همراه دارد (همان، ۲۲۴).

آخرین کنش متعلق به نمایندهٔ حکومت است. او که به‌شدت از پاسخ نمایندهٔ توده به خنده افتاده، او را به حال خود وا می‌گذارد. در تمام این لطیفه‌ها نمایندهٔ نخبگان

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-27]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.1.9]

حاکم وانمود می‌کند ارزش لذتی که از این خندهٔ عمیق برده است بیش از ارزش مادی چیزی است که برای تصرف آن فرمانی را صادر کرده بود. کارکرد این خنده و بخشش به‌ویژه برای اثبات آن است که نمایندهٔ حکومت نشان دهد نمایندهٔ توده‌ها نافرمانی و سرپیچی بزرگی را مرتکب نشده؛ اما درواقع این تجاهل و نادیده گرفتن این اقدام، یکی از کلیدهای اعمال قدرت است تا «تعارض» از صحنهٔ عمومی بیرون نگه داشته شود (همان، ۱۰۲) و بیش از این خدشه‌ای به اقتدار حکومت وارد نشود. به بیان اسکات بسیاری از شکل‌های قدرت می‌تواند مقدار بسیار زیادی از عدم تمکین عملی را، به شرط اینکه تار و پود نظام هژمون را از هم نگسلد، تحمل کند (همان، ۲۱۹).

با این حال نباید فراموش کرد «راوی» تمام این لطیفه‌ها توده‌ها هستند و همچون همهٔ قوالب فولکلوریک می‌توانند خوانش خود را از حادثه ارائه کنند. طراحی چنین پایانی برای لطیفه‌ها پیامی را برای مخاطبانی از هر دو گروه در بردارد؛ مخاطبان گروه اول یا مردم از سویی شاهد زیر سؤال رفتن اقتدار و همچنین ادعای سیادت ذاتی ارباب قدرت هستند و از طرفی درمی‌یابند که گاهی آمیختن نافرمانی با طنز و مطایبه می‌تواند مانع دست‌اندازی بیشتر زمامداران به منافع آن‌ها شود. روایت نهانی با مجموعه‌ای از راهبردهای خاموش و علنی اِعمال می‌شود که برای به حداقل رساندن غصب طراحی شده‌اند (همان، ۲۰۲). اما این لطیفه‌ها به گوش اجزاء حکومت نیز می‌رسید. نمونهٔ آن اشارهٔ فرزند مسعودمیرزا ظل‌السلطان، حاکم اصفهان، به رویارویی مرد الاغ‌دار با نصیرالدوله است (اسپاروی، ۱۱۴:۱۳۶۹) و چون قدرت تلطیف شده مبنای دادخواهی رعیت را فراهم می‌آورد (اسکات، ۱۳۹۶: ۱۱۵). توده با انتشار چنین لطیفه‌هایی و تلطیف چهرهٔ نمایندهٔ حکومت در پایان آن‌ها، به ارباب قدرت پیغام می‌دهد که برخی حاکمان، رعیت نافرمان را می‌بخشند و بر او سخت نمی‌گیرند تا در این‌جا نیز زمینه‌ای برای به حداقل رساندن غصب فراهم شود.

۲-۳. لطیفه‌سازی در نفی برتری ذاتی نخبگان حاکم

در نظریهٔ روایت‌های نهانی، بخشی از روایت رسمی حکومت که به اثبات برتری تکوینی و جوهری ارباب قدرت بر عامهٔ مردم اختصاص دارد ابزار تحقق سلطهٔ منزلتی

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-27]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.1.9]

به‌شمار می‌رود. در عصر قاجاریه، این سیادت جوهری به‌ویژه در اطلاق عناوین والاتبار (وقایع اتفاقیه، ش ۱۶۷، ۱۵رجب۱۲۷۰ق) و والاگوهر و اغصان شجرهٔ طیبه (دولت علّیه، ش ۵۲۰، شوال ۱۲۸۷ق) به شاهزادگان جلوه‌گر شده است. در این روایت، فرادستان دارای ویژگی‌هایی شخصیتی فرض می‌شوند که گاه مقامی فراانسانی به آن‌ها می‌بخشد. این ادعای روایت رسمی در عناوینی که روزنامه‌های دولتی عصر ناصری برای شخص شاه در نظر می‌گرفتند به‌خوبی هویداست؛ عناوینی همچون ضمیر الهام‌پذیر (ایران، ش ۲۱،۲۱۴ربیع الثانی۱۲۸۸ق) و ذات کامل‌الصفات (ایران، ش ۲۶،۲ربیع‌الاول ۱۲۸۸ق).

تنظیم روایت رسمی به این شکل، بر تمایز ذاتی و ازلی گروه‌های حاکم از توده‌ها متمرکز است و هر قدر بر سیادت ذاتی آن‌ها تأکید می‌ورزد بیشتر به تحقیر فرودستان می‌پردازد. به بیان اسکات (۱۳۹۶: ۴۹) هیچ نظام سلطه‌ای نیست که توهین‌های روزمرهٔ مخصوص خود و آسیب به کرامت انسانی را همراه نداشته باشد. اما این توهین و تحقیر که برای صورت‌بندیِ سلطهٔ منزلتی ضروری به‌شمار می‌رود روایت‌های نهانی را در بین توده‌ها ایجاد می‌کند که بنا بر این نظریه، هر چه این توهین‌ها شدیدتر باشند روایت‌هایی نهانی را به همان شدت پدید می‌آورند. از همین روست که هر قدر حکومت در اسناد این ویژگی‌های فراانسانی و اغراق‌آمیز به اجزاء خود تأکید بیشتری داشت، فرودستان نیز برای یافتن نقاط ضعف شخصیت ارباب قدرت بیشتر تلاش می‌کردند. «این میل به تلافی در برابر سلطه که در پیشگاه قدرت مجال بروز نمی‌یافت» (همان، ۴۹) در روایت‌های نهانی بازتاب می‌یافت تا همهٔ کسانی که از این تحقیرها رنج کشیده‌اند «در ایجاد گفتمان کرامت» (همان، ۱۲۷) و نفی برتری جوهری نخبگان حاکم شریک باشند. پراکندن لطیفه‌هایی که بن‌مایهٔ اصلی آن‌ها ضعف‌های شخصیتی نخبگان حاکم بود یکی از تاکتیک‌های توده در راهبرد نفی و خنثاسازی این بخش از روایت رسمی بود. این لطیفه‌ها را «سیادت‌ستیز» می‌نامیم.

دستهٔ نخست لطیفه‌های سیادت‌ستیز لطیفه‌هایی را شامل می‌شود که مضمون محوری آن‌ها ضعف قوای عقلی و ادراکی نخبگان حاکم است. به نمونه‌هایی از این لطیفه‌ها اشاره می‌کنیم:

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-27]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.1.9]

لطیفهٔ اول: یکی از محارم عین‌الدوله برای اثبات این حقیقت که مردم در بزرگ وانمودن اخبار یا شایعات حد و مرزی نمی‌شناسند روزی به گوش یکی دیگر از محارم آقا می‌گوید: امروز که سرورمان به مستراح تشریف بردند کلاغی از نشیمن‌گاهشان خارج شد و از دریچه بیرون پرید. همان شب نماینده‌ای از دربار به عیادت او آمد با پیامی از مظفرالدین شاه که: شنیده‌ایم امروز صبح چهل کلاغ از نشیمنگاه آن حضرت شرف صدور یافته که شخص همایون ما آن را به فال نیک گرفته، امیدواریم برای ملت و دربار قضا، اعتبار ما مبشر امر خیری بوده باشد (شاملو، ۱۳۹۱: ۵۰۷/۱۲).

لطیفهٔ دوم: محمدابراهیم خان، وزیر نظام، روزی به باغبانش می‌گوید: «چرا برای من درخت گلندر نمی‌کاری؟» باغبان می‌پرسد: «درخت گلندر چیست؟» وزیر نظام می‌گوید: «همان درختی که سعدی می‌گوید: یکی درخت گل اندر میان خانهٔ ماست/ که سروهای چمن پیش قامتش پست‌اند» (مستوفی، ۱۳۴۴: ۱/ ۱۹۳).

مرکز ثقل این لطیفه‌ها که غافلگیری مخاطب و خندهٔ او را در پی دارد، مواجهه با ضعف قوهٔ تمیز و تشخیص حاکمان قاجاریه است. این تأکید بر ضعف قوای عاقله در دستهٔ دیگری از لطیفه‌های سیادت‌ستیز هم دیده می‌شود که فرادستان را با نام چهارپایان خطاب می‌کنند. لطیفه‌هایی که در آن‌ها یکی از فرودستان، نمایندهٔ حکومت را در برابر جمع «الاغ» خطاب می‌کند پربسامدترین این نوع لطیفه‌ها هستند. به سه نمونه از این لطیفه‌ها اشاره می‌کنیم:

لطیفهٔ اول: دلقک دربار هر چه سعی می‌کند نمی‌تواند الاغش را از جویی عبور دهد. گروهی از درباریان ازجمله غلامحسین خان صاحب اختیار هم شاهد ماجرا هستند. دلقک که از سماجت الاغ به تنگ آمده به او می‌گوید: دیگر اصرار نمی‌کنم اگر می‌خواهی عبور کنی صاحب اختیاری و اگر نمی‌خواهی هم صاحب اختیاری (مستوفی، ۱۳۴۴: ۱۵۱/۱).

لطیفهٔ دوم: فردی که با جمعی از اعضای یک طبقهٔ ذی نفوذ از سفری برگشته بود، برای مردم تعریف می‌کند که در راه دزدان مرکب‌های ما را گرفتند و اهالی یک روستا به هر کدام از ما خری دادند: «آقا یک خر... این آقا هم یک خر ...» و به هر یک از فرادستان اشاره‌ای می‌کند و می‌گوید: «این آقا هم یک خر!» (بامداد، ۱۳۴۷: ۳۹۷/۱).

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-27]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.1.9]

لطیفهٔ سوم: حسین‌قلی خان بختیاری برای دیدار ظل السلطان به اصفهان رفته بود که ناگاه لری سر و پا برهنه وارد دارالحکومه شد و گفت که برای زیارت خان به شهر آمده. حسین قلی‌خان با خشم گفت: احمق، خر و گاو و گوسفندت را رها کرده‌ای و آمده‌ای که مرا ببینی؟ لر گفت: ای خان، خرم تویی، گاوم تویی، گوسفندم تویی (دهخدا، ۱۳۷۶: ۷۳۵/۲ ؛ بامداد، ۱۳۴۷: ۱۰۹/۵).

نکتهٔ جالب اینکه در چنین لطیفه‌هایی شاهد نمونه‌ای از استتار روایت نهانی هستیم. فرودستان برای نقد قدرت در حضور قدرتمندان ماجراهایی را نقل می‌کنند که دو خوانِش از آن‌ها ممکن است؛ یکی سیاسی و دیگری بی‌ضرر (اسکات، ۱۳۹۶ :۱۵۲). در این لطیفه‌ها نیز فرودستی که یکی از زمامداران را در مقابل جمع این‌گونه مخاطب قرار داده است می‌تواند ادعا کند نیتی کاملاً معصومانه داشته است؛ اما در ضمن با ملقب ساختن فرد بلندپایه به چنین عنوانی ادعای سیادت ذاتی او را نیز به چالش بکشد.

گروهی دیگر از لطیفه‌های سیادت‌ستیز با تکیه بر «عدم تناسب» جایگاه زمامداران قاجاریه با برخی صفات اخلاقی آن‌ها، اسباب نفی ادعای برتری ذاتی آن‌ها را فراهم می‌آورند. وجود چنین صفت‌هایی در مردم عادی ممکن است مذموم باشد؛ اما انتساب آن‌ها به ارباب قدرت، موجب فروکشیدن ایشان از جایگاهی فراانسانی است که روایت رسمی در پی اثبات آن است. مانند تأکید بر «خست» شاه در این لطیفه: ارزش هدایای فتحعلی‌شاه به قدری ناچیز است که مردم تهران اگر بخواهند حقارت چیزی را نشان دهند می‌گویند پیشکش شاه است (دروریل، ۱۳۷۰ :۱۵۹). یا «حرص» وزیر آذربایجان که در این روایت ساده برجسته می‌شود: می‌گویند تمام درآمد آذربایجان فقط خوراک دو دندانی است که از لب بالایی وی بیرون زده (فیودورکورف، ۱۳۷۲ :۱۵۵).

گونهٔ دیگری از لطیفه‌های سیادت‌ستیز بر فساد جنسی عناصر حکومت یا بر عدم آراستگی آن‌ها به عزت و کرامت نفس تأکید دارند. این لطیفه‌ها بیانگر آن هستند که نابرابری‌های عظیم در منزلت و قدرت، روایت‌های نهانی نیرومندی را ایجاد می‌کنند (اسکات، ۱۳۹۶ :۱۹۰) و آیین‌هایی که برای تصدیق سلطهٔ منزلتی سامان یافته‌اند زمینه‌ساز رشد خشم، رنجش، سرخوردگی و کینه‌ای می‌شوند که الگوهای خاص بدزبانی و بی‌حرمتی را در روایت نهانی تقویت می‌کند (همان، ۸۳). مضمون لطیفه‌ای که در آن

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-27]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.1.9]

ناصرالدین‌شاه هنگام تماشای تهران از فراز شمس‌العماره با صحنه‌ای عجیب مواجه می‌شود (شاملو، ۱۳۷۷: ۲ / ۱۳۸۳؛ شهری باف، ۱۳۷۱: ۱/ ۳۸۹) به انحراف جنسی تمام عُمال حکومت قاجاریه اشاره دارد. لطیفهٔ دیگری نیز روایت می‌کند که یکی از اجزاء دربار ناصری با شادی فراوان به سایر کارگزاران ارگ سلطنتی اطلاع می‌دهد که امروز شخص شاه مستقیماً به او دشنامی جنسی داده است (شهری باف، ۱۳۸۴: ۳۸۷). به این ترتیب، بنا بر ویژگی انعکاسی روایت نهانی، فرودستان برای نفی و خنثاسازی ادعای سیادت تکوینی و ذاتی ارباب قدرت، بر حقارت ذاتی آن‌ها انگشت تأکید می‌گذارند تا سلطهٔ منزلتی ایشان را به چالش بکشند.

۲-۴. رویارویی هم‌زمان با سلطهٔ مادی و منزلتی

بنا بر نظریهٔ روایت‌های نهانی، توزیع قدرت و منزلت در جامعه به‌گونه‌ای هماهنگ انجام می‌شود. با این فرض، سلطهٔ مادی و منزلتی همگام با یکدیگر پیش می‌روند و فرادستان تلاش می‌کنند این دو ساحت سلطه را هم‌زمان پیش ببرند: نخبگان مسلط مالیات‌های مادی را به‌صورت نیروی کار، غلات، نقدینگی و خدمات می‌گیرند و علاوه بر آن «مالیات‌های نمادینی» نیز می‌گیرند که دربردارندهٔ رفتار فروتنانه، اطوار فرودستی و احساس حقارت در برابر زمامداران است (اسکات، ۱۳۹۶: ۲۰۲).

این وضعیت، همان طور که ذکر شد در لطیفه‌های اقتدارستیز قابل مشاهده است که نمایندهٔ حکومت فرمانش را با تحقیر همراه می‌کرد؛ هرچند که به بیان اسکات هر اقدام غصب علنی تمثیلی از فرادستی آیینی نیز هست (همان، ۲۰۲).

اما اگر نمی‌توان تلاش برای غصب و استثمار (سلطهٔ مادی) را از کوشش برای ایجاد ذهنیتی که الگوی فرادستی/ فرودستی را به‌صورت یک نظام ازلی تعریف می‌کند (سلطهٔ منزلتی) جدا کرد، نمی‌توان مقاومت در برابر بهره‌کشی مادی را نیز از پایداری در برابر اندیشهٔ برتری ذاتی اصحاب قدرت متمایز کرد. این گزاره ناشی از بخشی از نظریهٔ روایت‌های نهانی است که شکل مقاومت را بازتابی از شکل سلطه می‌داند.

به این ترتیب در روایت توده‌ها، ازجمله در لطیفه‌ها، شاهد واکنش هم‌زمان و هماهنگ به «تحقیر» و «اِعمال اقتدار» نخبگان حاکم هستیم. در لطیفه‌های اقتدارستیز

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-27]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.1.9]

پاسخی که نمایندهٔ مردم به تحقیر یا هتک حرمت می‌دهد با نافرمانی او هم‌زمان و توأم است. در لطیفهٔ اول نمایندهٔ حکومت را الاغ خطاب می‌کند، در لطیفهٔ دوم پدر او را جهنمی می‌خواند و در لطیفهٔ سوم پاسخ کلام جدی او را با اشاره به پاره شدن بندتنبان می‌دهد. در تمام این پاسخ‌ها سلطهٔ منزلتی نمایندهٔ حکومت را زیر سؤال برده است؛ اما این هتک متقابل، با نافرمانی نیز همراه شده است تا راهبرد نفی سیادت و برتری ذاتی نخبگان حاکم با راهبرد نفی اقتدار آن‌ها توأم شود و دو محور اصلی روایت رسمی حکومت به‌صورت هم‌زمان مورد خدشه قرار گیرد. از همین رو می‌توان نتیجه گرفت لطیفهٔ اقتدارستیز، در بطن خود، سیادت‌ستیز نیز هست.

از سویی در لطیفه‌های سیادت‌ستیز هم بر ضعف‌های شخصیتی فرادستان تأکید می‌شد؛ اما نمی‌توان برای کسی که به چنان ضعفی در شخصیتش دچار است اقتدار و صلابتی قائل شد. فرودستان در این لطیفه‌ها به‌ویژه بر «حماقت» حاکمان قاجاریه انگشت تأکید نهاده بودند و احمق بودن، همان قدر که ادعای برتری ذاتی و تکوینی یک فرد را زیر سؤال می‌برد، «اقتدار» او را هم با شک و تردید مواجه می‌سازد. همچنین لطیفه‌هایی که انحراف جنسی بلندپایگان را از پرده بیرون می‌اندازند درحقیقت صلابت آن‌ها را هم به ریشخند می‌گیرند. در لطیفه‌هایی هم که فردی از عامه به بهانه‌ای یکی از اصحاب قدرت را در برابر جمع «الاغ» خطاب می‌کند افزون بر اینکه ادعای برتری تکوینی او را به سخره گرفته، اقتدار او را نیز زیر سؤال برده است. به این ترتیب، بسیاری از لطیفه‌های سیادت‌ستیز، صلابت زمامداران را نیز نفی می‌کنند. این نکته گواه آن است که فرودستان در لطیفه‌ها در پی چالش هم‌زمان با سلطهٔ مادی و منزلتی بوده‌اند؛ امری که در تحلیل حیات سیاسی آن‌ها اهمیت فراوان می‌یابد.

۳. نتیجه

در لطیفه‌هایی که عامهٔ مردم در عصر پیشامشروطه دربارهٔ زمامداران قاجاریه نقل می‌کردند غالباً دو رویکرد اصلی، مشاهده می‌شود. گونه‌ای از این لطیفه‌ها به نفی اقتدار و صلابت حکومت می‌پرداختند و گروهی دیگر دربارهٔ برتری ذاتی فرادستان بر توده‌های مردم مناقشه می‌کردند. لطیفه‌های اقتدارستیز بر مبنای مواجههٔ نماینده‌ای از

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-27]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.1.9]

حکومت با نماینده‌ای از مردم شکل می‌گرفتند که در این مواجهه، نمایندهٔ مردم در حالی که هتک و توهین نمایندهٔ حکومت را با توهینی سخت‌تر پاسخ می‌داد از فرمان او نیز سر باز می‌زد. لطیفه‌های سیادت‌ستیز بر آشکار کردن ضعف‌های شخصیتی نخبگان حاکم تأکید داشتند و به‌ویژه ضعف قوای عقلی آن‌ها را از پرده بیرون می‌انداختند. دسته‌ای دیگر از این لطیفه‌ها زمامداران قاجاریه را منحرف جنسی یا افرادی فاقد احساس عزت و کرامت نفس معرفی می‌کردند.

در لطیفه‌های اقتدارستیز، سیادت ذاتی فرادستان نیز به سخره گرفته می‌شد و در لطیفه‌های سیادت‌ستیز، آشکار شدن ضعف‌های شخصیتی اجزاء حکومت، اقتدار آن‌ها را نیز به ریشخند می‌گرفت. پراکنده شدن چنین لطیفه‌هایی در میان توده‌ها گواهی است بر این گزاره در نظریهٔ روایت‌های نهانی که سلطهٔ منزلتی همگام با سلطهٔ مادی اِعمال می‌شود و مردم نیز بنا بر ویژگی انعکاسی روایت نهانی تلاش می‌کردند در این لطیفه‌ها به گونه‌ای هماهنگ و هم‌زمان سلطهٔ مادی و منزلتی را به چالش بکشند. نکته‌ای که نباید در بررسی کنش سیاسی توده‌ها در آن عصر مغفول بماند.

منابع

- اخوت، احمد (۱۳۸۴). *لطیفه ها از کجا می‌آیند؟*. تهران: قصه.
- اسپاروی، ویلفرید (۱۳۶۹). *فرزندان درباری ایران*. ترجمهٔ محمدحسین آریالرستانی. تهران: قلم.
- اسکات، جیمز. سی (۱۳۹۶). *سلطه و هنر مقاومت: روایت‌های نهانی*. ترجمهٔ افشین خاکباز. تهران: مرکز.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم (۱۳۸۳). *نون جو و دوغ گو*. چ۵. تهران: علم.
- بامداد، مهدی (۱۳۶۳). *شرح حال رجال ایران*. ج۱.چ۳. تهران: زوار.
- ـــــــــــ (۱۳۶۳). *شرح حال رجال ایران*. ج۵. چ۳. تهران: زوار.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۶). *امثال و حکم*. ج۲. چ۷. تهران: امیرکبیر.
- درووِیل، گاسپار (۱۳۷۰). *سفرنامهٔ گاسپار درووِیل*. ترجمهٔ منوچهر اعتمادمقدم. چ۴. تهران: شباویز.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-27]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.1.9]

- ذوالفقاری، حسن (۱۳۹۲). «ریخت‌شناسی چیستان‌های منظوم محلی». *فرهنگ و ادبیات عامه*. س۱. ش۱. صص۹۳-۱۱۸.
- *روزنامهٔ وقایع اتفاقیه*. ۱۵رجب ۱۲۷۰ق. ش ۱۶۷.
- *روزنامهٔ دولت علیهٔ ایران*. ۱۰ شوال ۱۲۸۷ق. ش ۵۲۰.
- *روزنامهٔ ایران*. ۲۶ ربیع الاول ۱۲۸۸ق. ش ۲۰.
- *روزنامهٔ ایران*. ۲۱ربیع الثانی ۱۲۸۸ق. ش ۲۱۴.
- سایکس، پرسی مولزورث (۱۳۸۲). *سفرنامهٔ ژنرال سر پرسی سایکس یا ده هزار میل در ایران*.ترجمهٔ حسین سعادت نوری. تهران: دنیای کتاب.
-شاملو، احمد (۱۳۷۷). *کتاب کوچه* .ج۲. چ۱. تهران: مازیار.
-_____ (۱۳۷۸). *کتاب کوچه*.ج۲. چ۲. تهران: مازیار.
- _____ (۱۳۹۱). *کتاب کوچه*.ج۱۲. تهران: مازیار.
-شهری‌باف، جعفر (۱۳۷۶). *طهران قدیم*. ج۱. چ۲. تهران: معین.
- _____ (۱۳۸۴). *قند و نمک*. چ۶. تهران: معین.
-کورف، فئودور فئودوروویچ (۱۳۷۲). *سفرنامهٔ بارون فئودورکورف*. ترجمهٔ اسکندر ذبیحیان. تهران: فکرروز.
-گوبینو، ژوزف آرتور (۱۳۶۷). *سفرنامهٔ کنت دو گوبینو یا سه سال در ایران*. ترجمهٔ عبدالرضا هوشنگ مهدوی. تهران: کتاب‌سرا.
- مارزلف، اولریش (۱۳۷۱). *طبقه‌بندی قصه‌های ایرانی*. ترجمهٔ کیکاوس جهانداری. تهران: سروش.
- مستوفی، عبدالله (۱۳۷۷). *شرح زندگی من یا تاریخ اجتماعی، اداری دورهٔ قاجاریه*.ج۱. چ۴. تهران: زوار.
-هالینگبری، ویلیام (۱۳۶۳). *روزنامهٔ سفر هیئت سر جان ملکم به دربار ایران*. ترجمهٔ امیرهوشنگ امینی. تهران: کتاب‌سرا.

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-27]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.1.9]

Culture and Folk Literature_____Year. 7, No. 26, June & July 2019

The reflection of Tudeh's political action in pre-constitutional jokes – Qajar period

Mehdi Mir Kiaei [1*]

1. Faculty member – Department of history – Allameh Tabataba'i University –Tehran - Iran.

Received: 18/08/2018 Accepted: 12/05/2019

Abstract

The abundance of Iranian jokes, especially about the elite governors of the Qajar era, is important to examine their position in the political life of the mass. Conciseness and irony, as well as the inherent attraction of humor, have fostered the spread of these jokes in society and made them an effective tool in the political struggle of the mass. The question is whether these jokes seek to disrupt one of the official narrative sections of the government and which areas of domination have been denied? Our hypothesis is that among these jokes, the ones that challenged the authority of the state and the inherent nature of its components for the general public have a special place. In the case of jokes denying the authority of the state, there is a clear disobedience of the mass representative to the representative of the government, which leads to the success of representative of the mass, and in the jokes that confront the claims of superior elites, significant personal weaknesses were observed. Simultaneously by this jokes, people challenged the domination of power and dignity, and their efforts were aimed more at neutralizing domination. The theoretical framework of research is based on the theory of "hidden narratives" by James C. Scott, who tried to explain the resistance of the mass to openly criticize power without protest. So far, no research has been done to analyze the political jokes of the pre-constitution period.

Keywords: joke; protest; Qajar ; pre-constitution

***Corresponding Author's E-mail:** mmirkiaee@yahoo.com

[Downloaded from cfl.modares.ac.ir on 2024-04-27]

[DOR: 20.1001.1.23454466.1398.7.26.1.9]